

„Kritisch sein ist notwendig“-Gedanken zum Sonntag

„Quasimodo geniti“

Andacht

„انتقاد کردن لازم است“ – به یاد یکشنبه

نیایش

اکنون ما عید پاک را پشت سر گذاشته و به دوران بعد از آن رسیده ایم. عیسی مسیح از مرگ به پا-
خاسته- او زنده است! حدود ۲۰۰۰ سال است که این مراسم بزرگ را جشن می گیریم، که در واقع
تاریخ بنیادی اعتقاد و ایمان مسیحیت می باشد. این در حالی است که بطور شگفت انگیزی آن مجموعه
ایی از زندگی معمولی ما گردیده است. ولی این مسئله نزد شاگردان عیسی مسیح طوری دیگر بود. آنها
اولین کسانی بودند که با این خبر روبه رو شده بودند. یوهانس گرد آورنده انجیل یوحنا در کتابش
اینطور توضیح می دهد: همانطور که عیسی مسیح بعد از عید پاک در میان شاگردانش ظاهر گردید. آنها
در مورد معجزه بزرگ عید پاک فوق العاده خوشحال و سعادتمند بودند. همه؟ خیر، در آن میان یک
شاگرد همچنان مسئله را با شک و شبهه دنبال می کرد.

در بین آن دوازده نفر شاگردانش، کسی بود به نام توما، که وی را دیدیموس هم می نامیدند. هنگامی که
عیسی مسیح ظاهر شد او در آنجا حضور نداشت. پس وقتی که سایر شاگردان به او گفتند: " ما خداوند را
دیده ایم" او گفت: من تا جای میخ ها را در دستش نبینم و تا انگشت خود را در جای میخ ها و دستم را
در پهلویش نگذارم باور نخواهم کرد." بعد از هشت روز، وقتی شاگردان بار دیگر با هم بودند و توما
هم با آنها بود، با وجود اینکه درها بسته بود، عیسی به درون آمد و در میان آنان ایستاد و گفت: "سلام
بر شما باد." و بعد به توما گفت: " انگشت خود را به اینجا بیاور، دستهای مرا ببین، دست خود را بر
پهلوی من بگذار و دیگری ایمان نباش بلکه ایمان داشته باش." توما گفت: ای خداوند من و ای خدای
من. " عیسی گفت: آیا تو به خاطر اینکه مرا دیده ای ایمان آوردی؟ خوشا به حال کسانی که مرا ندیده
اند و ایمان می آورند." (یوحنا ۲۰)

در میان، ما تومای بی دین و کافر یک مثل معروفی است. وقتی کسی به این داستان با دقت گوش
کند این سوال در ذهن اش نقش می گیرد: آیا این رفتار با او جایز و عادلانه بود؟ حتی بقیه شاگردان آن را
وقتی باور کردند، که خودشان عیسی را بعد از مرگش دیده و وی جای زخم هایش را به آنها نشان داده
بود. آنجاست که می بینیم بین آنها و توما تفاوتی وجود ندارد، تفاوت فقط آنجاست که توما نمی خواهد با
شنیدن این داستان خود را راضی نشان دهد. بلکه او می خواهد خود بداند و آن را احساس نماید به آنچه
که به آن ایمان آورده و اطمینان کرده. در واقع یک عمل کاملا انسانی و قابل فهم، که امروزه نیز ما آنرا
بعنوان یک الگو باید پذیرا باشیم. این واقعا وحشتناک است که امروزه ما انسانها بسیار زود باور شده ایم
در یک زمانی که اخبار نادرست وجود دارد- و در واقع بسیار سریع همه آنها را باور می کنیم، هر
آنچه را که در مطبوعات و اخبار در دنیا انتشار داده می شود، همه اینها برای ما خوب نیستند، خیلی،
خیلی بهتر است ما در مقابل آنها کمی شک و تردید نشان دهیم. و آنچه را که می شنویم یا می خوانیم با
دید زیرکانه و با عقلمان موردباز بینی قرار دهیم به جای اینکه زود آنرا باور کنیم. بهتر نیست با شنیدن
خبری پیش خود آنرا حلاجی کنیم، به جای اینکه بیشتر به شایعات و یاوه گویی دیگران توجه کنیم؟
حتی چنانچه بنظرمان آنها همه متقاعد کننده باشند.

توما در واقع هرگز "بی ایمان" نبود بلکه مشکوک بود. البته نکته عطف داستان توضیح داده شده ولی از دید ما کمی پنهان مانده است و لازم است کمی دقیق به آن گوش دهیم. بر خلاف اعتقاد توما معذالک حتی لازم نبود که وی با انگشتانش سوراخ های دست عیسی را لمس کند و دستش را بر روی حرارت های پهلوی وی بگذارد. همان هنگام که عیسی مسیح مقابل او می ایستد، توما دیگر خواهان ثابت شدن بیشتر موضوع را ندارد. با تمام شک و تردیدش آنجایی اطمینان حاصل پیدا می کند که، خداوند به صورت انسان مقابلش ظاهر می شود. تنهابه دلیل روبه رو شدن با وی در هنگام شک و تردید اعتماد و اطمینان یافتن – همان را می سازد که در انتها توما "پدر خوانده" ایمان ما می شود. با قدردانی از توما لازم نیست ایمانمان بطور کورکورانه مورد قبول قرار گیرد. حتی اگر نمی توانیم آنرا با چشم هایمان ببینیم. در حقیقت او شاهد ایمان و اعتقاد کنونی ما می باشد. ما نباید به گفتار یک شخص کاملاً اطمینان کنیم، بلکه می توان از کارنامه و کارهای آن شخص به وی اطمینان حاصل نماییم، چرا که کارهای وی حتماً بر روی اصول بررسی و تحقیقاتی قرار گرفته، و وی همه چیز را بطور ساده نپذیرفته و مسائل را با شک و تردید مورد بررسی قرار داده تا به آن نتیجه رسیده. ما به شوق و ذوق ظاهری وابسته نیستیم و احتیاجی نداریم بلکه، آنچه که لازم داریم کارنامه و اساس کارهای یک متفکر، یک دانشمند، و یک عالم دینی است تا بتوانیم با توانمندی های خویش، خود تفکر نموده، خود فهمیده و دانسته ایمان آوریم. آمین.

Liedverse

سرود

پس دستهایم را بگیر / و رهنمای من باش / تا پایان خوشی / و برای همیشه / من دوست ندارم تنها روم /
حتی یک قدم / هر جا که تو قدم میزنی و می ایستی / مرا با خودت ببر /

در زیر پوشش رحمت تو / قلب ضعیف من / و آنرا کاملاً آرام نگه دار / وقت شادی و درد / بگذار آرام بگیرم بر روی پاهایت / کودک بیچاره تو: / او می خواهد چشم هایش را ببندد / و کورکورانه ایمان آورد /
وقتی من همانا احساس نمی کنم / قدرت تو را / تو مرا به هدف ام می رسانی / حتی شب هنگام: / دستهایم را بگیر / و رهنمای من باش / تا پایان خوشی / و برای همیشه /

(EG 376)

Gebet

نیایش

خدای مهربان، غالباً اطمینان بر ایمان سخت است. بعضی مواقع نمیدانیم چه کسی را باور نماییم و چه کسی را باور نکنیم، بیشتر مواقع شک و تردید ما را در بر می گیرد، همانا، از تو می خواهیم: در تمام مواقع شک و تردید، به ما یقین و اطمینان عطا نما، تا بتوانم با تو و کلمات تو ایمان و اعتقاد را در وجودم بپرورانم.

Vater unser

دعای خداوند

ای پدر ما که در آسمانی، نامت مقدس باد.

فرمانروایی تو بر قرار باد.

خواستہ های تو انجام شود.
بر روی زمین همانطوری که در آسمان اینگونه است.
به ما روزی رسان در این روز،
و گناہنمان را ببخش،
همانگونه کہ ما گناہان دیگران را می بخشیم،
ما را از وسوسہ دور بدار،
از شرارت و کارهای بد.
ہمانا فرمانروایی شایستہ توست، و قدرت و جلال و شکوہ، از برای ہمیشہ تا ہمیشہ. آمین
کریستیان یوستن

Christian Justen